



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: عظمت صلاة در قران و روایات

آیات و روایات بسیاری داریم که دلیل بر عظمت و جلالت و فضیلت صلاة می باشند، فقهاء ما نوعاً از اعداد صلاة بحث را شروع کرده اند و متعرض آیات و روایات مذکور نشده اند و حال آنکه ذکر این مطالب لازم است، بسیاری از مطالبی که در قران و روایات است به فقه نیامده و بسیاری از مطالبی که در فقه است به جامعه نیامده و مسئول این امر نیز علماء و فقهاء هستند و یکی از این موضوعات عظمت نماز می باشد که ما برای نمونه مطالبی را از قران و روایات و تبحر البلاغه و صحیفه سجادیه ذکر می کنیم، البته باید توجه داشت که در میان فقهاء فقط صاحب جواهر در اول بحث صلاة مقداری از آیات و روایات مربوط به عظمت و فضیلت صلاة را ذکر کرده که مقداری از کلام ایشان را دیروز خواندیم، ایشان در ادامه کلامش حدوداً پنج صفحه یعنی از صفحات ۵ الی ۱۰ از جلد ۷ جواهر ۴۳ جلدی درباره معنای لغوی و ادبی صلاة بحث کرده که مراجعه و مطالعه بفرمائید.

صاحب وسائل در صفحه ۱۸ از جلد ۳ از وسائل ۲۰ جلدی و در باب ۷ از ابواب اعداد فرائض و نوافلها روایاتی را در این رابطه نقل کرده؛

خبر اول: ﴿وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعْرًا (ترسناک و گریزان است) مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ لَوْ قَتِهِنَّ، فَإِذَا ضِعِفَتْ تَجَرَأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَامِ﴾^۱.

خبر دوم: ﴿وَعَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَاجِ، عَنْ ابْنِ مَسْكَانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمَّا حَضَرَتْ أَبِي الْوَفَاةَ قَالَ

لي: يا بني إنه لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلاة وعنه، عن سهل بن زياد، عن النوفلي، عن السكوني، عن جعفر، عن أبيه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لكل شيء وجه، ووجه دينكم الصلاة، فلا يشين أحدكم وجه دينه، ولكل شيء أنف، وأنف الصلاة التكبير﴾^۲.

اخبار زیادی داریم که در آنها مطالب بسیاری درباره عظمت و جلالت و فضیلت نماز ذکر شده.

در روایات داریم که اگر شما می خواهید با خدا حرف بزنید نماز بخوانید و اگر می خواهید خدا با شما حرف بزند قران بخوانید.

نماز فقط زبان نیست بلکه قلب و نیت و انگیزه نیز اهمیت دارد، آیت الله طباطبائی اعلى الله مقامه در تفسیر سوره حمد دو حدیث نقل می کند، اول اینکه نماز از نظر نیت قلبی چند جور است، کسی که نماز می خواند با خوف از آتش جهنم که این عبادت بندگانی است که از مجازات ارباب خودشان ترس دارند، کسی که برای بهشت نماز می خواند که خب این هم عبادت تجار است یعنی برای اجر و مزد و پاداش نماز می خواند و اما سوم حباباً له یعنی چون خدا را دوست دارد نماز می خواند که خب این عبادت احرار است. حدیث دوم اینکه نماز را از خوف جهنم بخواند که می شود عبادت عبید و یا نماز را برای بهشت بخواند که می شود عبادت تجار و سوم اینکه نماز را شکرراً له یعنی برای شکر گزاری بخواند که می شود عبادت احرار.

علامه سید مهدی بحر العلوم که از نظر جلالت مقام بسیار بالائی دارد در کتاب "الدرة النجفية" در باب صلاة اینطور فرموده:»

ان الصلاة هي أفضل القرب
و أكمل الطاعات طرا و أحب
عمود هذا الدين و العنوان
لسائر الأعمال و الميزان
ان قبلت فغيرها بها قبل
و ان ترد رد كل ما عمل
في العقل بان فضلها و النقل

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۵، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، باب ۶، حدیث ۴، ط الإسلامیة.

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۸، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، باب ۷، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

من الكتاب و وصايا الرسل
 و في النصوص عن أئمة الهدى
 في فضلها ما ليس يحصى عددا
 عبادة اللسان و الجنان
 و طاعة تحيط بالأركان
 ما جمعت عبادة ما جمعت
 من جنس كل طاعة تنوعت
 فإنها قراءة و ذكر
 و انها استكانة و شكر
 فيها مثل العبد للمعبود
 بين الركوع منه و السجود
 يجعل أعلى موضع و اشرفا
 رجاء عفو ربه على العفا
 به الى الله العباد تقرب
 و ذاك قول الله و اسجد و اقترب
 يدعون فيها ربهم تضرعا
 و ما بهم يعبا لو لا ذا الدعاء
 معراج كل مؤمن مستيقن
 حافظ سر ربه المهيمين»^۳.

صاحب کتاب ریحانة الأدب در جلد ۱ صفحه ۱۴۸ تعاریف بسیار زیادی از سید بحر العلوم کرده (بحر العلوم عموی پدر آقای بروجردی بوده)، ایشان فرموده بحر العلوم جامع معقول و منقول و صاحب کرامات ظاهره بوده که در کتب مختلف ذکر شده، وقتی ایشان به مکه رفتند و یکسال ماندند و درس شروع کردند که ذکر شده تمام علماء شیعه و حتی اهل سنت در درسشان حاضر می شدند و آنقدر از لحاظ اخلاق و درس در مقام بالائی بوده که ذکر شده بسیاری از یهود بر اثر اخلاق فاضله ایشان مسلمان شده اند و فیض یابی ایشان به محضر ناموس دهر امام عصر علیه السلام متواتر است، نقل شده که میرزای قمی که در قم ساکن بود به زیارت عتبات عالیات عراق رفت و وقتی به نجف رفت علماء بسیاری از او دیدن کردند از جمله همین سید بحر العلوم منتهی سید البحر العلوم نشست تا وقتی که همه رفتند، میرزای قمی به سید بحر العلوم گفت آنچه که تا به

حالا گفتیم صحبت قال بود الان صحبت از حال کنید، مراد اینکه امام عصر علیه السلام را کجا و در چه زمانی ملاقات کردید؟، (در همین انقلاب اسلامی خودمان آن روزی که بختیار اعلام حکومت نظامی کرد ولی امام فرمودند همه به خیابانها بیایند، آیت الله طالقانی با امام رضوان الله علیه تماس تلفنی گرفتند و فرمودند تصمیم بر این است همه را بکشند این کار خطرناکی است، امام رضوان الله علیه فرمودند این دستوری است که به ما رسیده، خب اگر این کار انجام نشده بود شاید هیچوقت انقلاب پیروز نمی شد)، علی آئی حال میرزای قمی به سید البحر العلوم فرمود آخرین ملاقات با امام عصر علیه اسلام در چه زمانی و کجا بوده؟ سید بحر العلوم فرمود هر وقت مسائل برای من مشکل می شد بعد از نصف شب کنار ضریح امیرالمؤمنین علیه السلام می آمدم و سوال می کردم و حضرت به من جواب می گفتند اما این اواخر یک شب آمدم سوال کردم ولی حضرت فرمودند فرزند من مهدی علیه السلام در مسجد سهله است برو و جوابت را از او بگیر، موقع طلوع فجر وارد مسجد سهله شدم و دیدم پر از جمعیت است و حضرت مهدی علیه السلام نیز حضور دارند و مشغول خواندن قران هستند ولی مردم ایشان را نمی شناسند، که در همینجا سید البحر العلوم این اشعار را سرود:

چه خوش است صوت قران ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

حضرت نیز رو به من کرد و فرمود مهدی جلو بیا و بعد صحبتهایی با هم داشتیم که تمام این سخنان را سید برای میرزای قمی بیان کرد، علی آئی حال صاحب کتاب ریحانة الأب تعاریف بسیاری از سید بحر العلوم کرده است من جمله اینکه شیخ جعفر کاشف الغطاء با آن عظمتی که داشته محض تبرک با گوشه عمامه خودش گرد و خاک نعلین سید بحر العلوم را پاک می کرده.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

^۳ الدرّة النحفية، سید بحر العلوم، ص ۸۴.